



«وَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ رَسُولِي بِهَذَا الْكِتَابِ، وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِّيتَتْ وَ إِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ وَ إِنَّ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَ تَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ وَ السَّلَامِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ

اکنون قاصدم را با این نامه به سوی شما فرستادم و من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانم. پس به راستی سنت [پیامبر] مرده و بدعتها زنده شده است. پس اگر سخنان مرا بپذیرید و از امر اطاعت کنید، شما را به راهی که رشد و اصلاح شما در آن است هدایت می کنم. سلام و رحمت خدا بر شما باد».

تاریخ طبری / ج ۴ ص ۲۶۶ و بحارالانوار / ج ۴۴ ص ۳۴۰.

- مروری بر مباحث جلسه گذشته
- تفهیم بندی کلی انسانها در مورد مخالفت و یا پذیرش وحی
 - گروهی منکر وحی و مخالف حقایق ماوراء ماده
 - دیدگاه منکران وحی؛ آنان کسانی اند که هستی را مساوی با عالم ماده و طبیعت می دانند. دهری ها و ماتریالیست ها طرفداران این دیدگاه هستند. براهین عقلی بر وجود عالم ماورای طبیعت نادرستی این دیدگاه را آشکار می سازد.
 - سعادت و رستگاری انسان بر اساس نبوت و وحی نیست و باید دین از جامعه جدا گردد
 - گروهی و قبول وحی با توجه به دلایل فلسفی و کلامی
- تفاوت نگرش به کارایی وحی
 - گروهی و اعتقاد به محدود بودن کارایی وحی و انحصار آن به امور شخصی و نه اجتماعی (کمال حداقلی)
 - نیاز به عقل جمعی و تجربه های علمی در مشکلات اجتماعی
- **عقل عامل معرفت نسبت به وحی و کارایی آن**
- نقش عقل در حوزه دین شناسی را در سه مرحله معیار، مصباح و مفتاح
 - معیار و میزان بودن عقل مربوط به برخی از اصول و مبادی عقلی و احکام مترتب بر آنهاست. در این باره وحی هرگز کلامی مخالف با عقل نخواهد داشت؛ زیرا این اصول عقلی مبنای اثبات شریعت و وحی می باشند. وحی هرگز نمی تواند با اصولی مخالفت داشته باشد که اصل تحقق آن در گروه آنهاست.
 - مصباح و چراغ بودن عقل مربوط به احکام شریعت و تبیین کتاب و سنت است، نقش عقل در دریافت احکام شریعت دو گونه است:
 - یکی تلاش برای فهم احکام و معارف دینی از کتاب و سنت است،
 - و دیگری به عنوان منبعی در عرض کتاب و سنت است. این نقش عقل مربوط به مستقلات و غیر مستقلات عقلیه است.
 - مفتاح بودن عقل نسبت به شریعت، به اسرار و ملاک های احکام شرعی مربوط می شود. عقل در این باره از درک تفصیلی و مشخص اسرار و ملاک های احکام شرعی ناتوان است. آن چه در توان عقل است درک عدم مخالفت احکام شرعی با اصول کلی عقل است. معرفت تفصیلی عقل در این باره تنها با راهنمایی پیشوایان معصوم (ع) و بهره گیری از سخنان آنان امکان پذیر است.
- دیدگاه کسانی که حجیت عقل را تنها در مرحله قبل از اثبات وحی و نبوت می پذیرند و پس از آن برای عقل حجیت و اعتباری قائل نیستند.
 - ظاهرگرایان از شیعه و اهل سنت طرفداران این دیدگاه می باشند.
 - سطحی نگری در دین عامل ایجاد تندرویه های خوارج (داعش)
 - اشاره به اهمیت مقابله با خوارج با توجه به کلام امیرالمومنین (ع)



▪ انا فقات عین الفتنة و لم یکن لیجتری ء علیها احد غیري بعد ان ماج غیبهها و اشتد کلبها - (نهج البلاغه، خطبه ۹۲)

- این من بودم و فقط من بودم که چشم این فتنه را در آوردم، و غیر از من احدی قادر نبود که چشم این فتنه را بکند (فتنه این خشکه مقدس ها)، غیر از من احدی از مسلمین جرات نمی کرد که شمشیر به گردن اینها بگذارد.

• دیدگاه کسانی که اگر چه عالم ماورای طبیعت را انکار نمی کنند ولی وحی و نبوت را انکار کرده اند.

○ براهمه در قدیم و دئیست ها در عصر جدید طرفدار این دیدگاه می باشند.

○ اشاره به نظریه براهمه در رابطه میان عقل و وحی

- براهمه مطرح میکنند که معتقدند نیازی به تکلیف شرعی یا به تعبیر دیگر، ارسال رسل نیست. از نظر آن ها آنچه از طریق وحی و شرع می آید یا موافق عقول است یا مخالف آن؛ اگر موافق عقول باشد، عقل آن را خود کشف کرده است و نیازی به شرع نیست و اگر مخالف عقول باشد باید آن را رد کرد.
- معارف و معاریف، ج ۱، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۹، ص ۱۵۴.

○ اشاره به دلایل کلامی خواجه نصیرالدین طوسی (تجرید الاعتقاد، مقصد چهارم)

- مقصد چهارم کتاب طبق آنچه خواجه نصیر الدین طوسی مرتب نموده است مربوط به نبوت است در این مقصد فوائد بعثت انبیاء و دلائل لزوم انبیا و رد قول براهمه که قائلند احتیاجی به پیغمبر نیست مورد بحث قرار گرفته اند. ایشان لزوم بعثت انبیا را طبق بیان خواجه از راه قاعده لطف ثابت کرده اند و در مسئله عصمت انبیا قول معتزله را که قائلند گناه کبیره از پیغمبران جائز نیست ولی گناه صغیره به سهو یا تاویل از آنها ممکن است و همینطور قول اشاعره که قائلند فقط کفر و دروغ است که از انبیا سر نمی زند و بقیه کبائر را ممکن است انبیاء مرتکب بشوند ولی فخر رازی صدور کبائر را جائز ندانسته است و از قول فخر نقل می کند که اشاعره سمعا جایز ندانسته اند نه عقلا زیرا آنان به حسن و قبح عقلی قائل نیستند. نبوت پیغمبر اکرم صلی اله علیه و آله و معجزات آن حضرت نیز به مناسبت در اینجا مورد بحث واقع گردیده است مباحثی که برای اثبات معجزات نبی گرامی اسلام آمده است بعضا برای پاسخ به تشکیکات فخر رازی است که در کتاب محصول خود عنوان کرده است که علامه شعرانی معتقد است عده ای از شبهات مطرح شده امام رازی متمسک یهود و نصاری در ایجاد تشکیک برای نبوت پیغمبر اسلام قرار گرفته اند.

• کارکردهای عقل در دین شناسی (رابطه عقل و وحی)

• عقل و معرفت های بنیادین دینی:

- نخستین نقش معرفتی عقل مربوط به معرفت های بنیادین دینی است؛ یعنی عقاید و باورهایی که شالوده و بنیاد وحی به شمار می روند. این عقاید عبارتند از: اثبات وجود خداوند، شناخت علم، قدرت و حکمت الهی، ضرورت نبوت و شریعت، لزوم داشتن حجت آشکار و معجزه بر دعوی نبوت، دلالت معجزه بر صدق دعوی پیامبری، لزوم معصوم بودن پیامبران الهی.
- تا این اصول اعتقادی اثبات نشوند، نبوت، وحی و شریعت اثبات نخواهد شد.
- بنابراین در اثبات این اصول نمی توان به وحی استناد کرد و از طرفی، مسائل یاد شده در حوزه ادراک حسی نیز قرار ندارند، تا از راه حواس شناخته شوند، چنان که بسیاری از آنها قابل معرفت شهودی و علم حضوری نیز نیستند.
- بنابراین یگانه راه استوار برای اثبات و شناخت آنها عقل است.

• عقل یکی از منابع احکام دینی:



○ همان گونه که در علم اصول فقه اثبات شده است، عقل یکی از منابع و مدارک احکام شرعی است و از این جهت در عرض کتاب و سنت قرار دارد. مبنای این اصل دو چیز است: یکی قاعده حسن و قبح عقلی، و دیگری قاعده ملازمه میان حکم عقلی و شرعی. مفاد قاعده نخست این است که عقل حسن و قبح پاره‌ای از افعال را به صورت مستقل درک می‌کند، و مفاد قاعده دوم این است که این ادراک عقلی مطابق با واقع است؛ یعنی آن چه را عقل حسن یا قبیح می‌داند، در واقع و نفس الامر نیز چنین است، و از طرفی، احکام شرعی بر مصالح و مفاسد واقعی مبتنی است، بنابراین، حسن و قبح عقلی با احکام شرعی ملازمه دارد چنان که گفته‌اند: «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع».

• فهم و تفسیر کتاب و سنت:

○ در فهم کتاب و سنت همان گونه که از قراین و شواهد لفظی (پیوسته یا ناپیوسته) استفاده می‌شود، از قراین عقلی نیز بهره‌گیری می‌شود.

○ عقل هر گونه صفتی را که مستلزم جسمانیت و نیازمندی باشد بر خداوند محال می‌داند، بر این اساس، هر گاه مدلول ظاهری آیات و روایات مستلزم جسمانیت و نیاز برای خداوند باشد، مقصود نخواهد بود و باید آنها را به گونه‌ای معنا کرد که با صفات کمال الهی هماهنگ باشد.

▪ از باب مثال استواری بر عرش در آیه «الرحمن علی العرش استوی» به معنای استیلا و قدرت خداوند در تدبیر جهان است. معنای ید در آیه «یدالله فوق ایدیهم» قدرت الهی است و گاهی در مطالعه ابتدایی آیات قرآن گمان می‌رود که برخی از آیات با برخی دیگر ناسازگارند، اما با تأمل و تدبر عقلی روشن خواهد شد که هیچ گونه ناسازگاری با یکدیگر ندارند

• دفاع از اصول و فروع دین

○ یکی از اهداف و وظایف مهم علم کلام دفاع از حریم دین و شریعت است. دفاع از حریم شریعت با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون بحث و مناظره و احتجاج انجام می‌گیرد و آنچه در این میان نقش اساسی را ایفا می‌کند عقل و تفکر عقلی است.

• کارکردهای آن را در دین‌شناسی و زندگی دینی (اجتهاد و ضوابط آن)

• عدم وجود مطالب و حیاتی مخالف با عقل

○ امر و نهی مولوی و ارشادی و تعریف آن

○ در فن «اصول فقه» قاعده‌ای است که به «قاعده ملازمه» یعنی ملازمه حکم عقل و شرع معروف است::

▪ «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ، وَ كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ»

• مقصود این است که هر جا که عقل، یک «مصلحت» و یا یک «مفسده» قطعی را کشف کند، به دلیل «لمی» و از راه استدلال از علت به معلول حکم می‌کنیم که شرع اسلام در اینجا حکمی دائر بر استیفای آن مصلحت و یا دفع آن مفسده دارد هر چند آن حکم از طریق نقل به ما نرسیده باشد، و هر جا که یک حکم وجوبی یا استحبابی یا تحریمی و یا کراهتی دارد، ما به دلیل «انی» و از راه استدلال از معلول به علت کشف می‌کنیم که مصلحت و مفسده‌ای در کار است، هر چند بالفعل عقل ما از وجود آن مصلحت یا مفسده آگاه نباشد.

• اشاره به اقسام علت عقلی در علم اصول فقه



- کارآیی استقلالی عقل خود به دو نوع است: الف) مستقلات عقلیه ب) غیر مستقلات عقلیه
 - مستقلات عقلیه یعنی احکامی که عقل بدون دخالت و کمک گرفتن از شرع، درک کرده و صغری و کبرای قیاس، هر دو عقلی هستند.
 - مثل حکم به حسن عدل.
 - صغری: عدل عقلاً نیکوست.
 - کبری: آنچه عقلاً لازم است، شرع آن را واجب میسازد.
 - نتیجه: عدل واجب شرعی است.
 - غیر مستقلات عقلیه یعنی احکامی که عقل با توجه به حکم شارع آنها را درک و بیان میکند و به عبارتی صغرای قیاس، شرعی و کبرای قیاس، عقلی است مثل وجوب مقدمه .
 - صغرا: نماز واجب شرعی است .
 - کبرا: هر عملی که واجب شرعی است مقدماتش هم شرعاً واجب است.
 - نتیجه: مقدمات نماز شرعاً واجب است .
- رابطه عقل و وحی در کلام امیرالمومنین (ع)
 - ... قَبَعَتْ فِيهِمْ رُسُلَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لَيْسَتْ أَدْوَاهُ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذَكَّرُوهُمْ مَنْسِي نِعْمَتِهِ
 - خداوند پی در پی پیامبرانی را مبعوث نمود تا آنان را بر پیمان فطرت خویش وادار کنند و نعمتهای فراموش شده او را به یادشان آرند
 - نهج البلاغه، خطبه ۱.
- افراط گرایی در کارایی عقل
 - اشاره به مواردی در صدراسلام در رابطه اجتهاد عقلی در مقابل نص
 - کتاب سنن ابی داود ج ۴ ص ۲۱۲
 - ثقیان ثوری هر کسی تصور کند که علی از سایر خلفا به خلافت شایسته تر است صحابه را در انتخابشان تخطئه کرده است و تصور نمیکنم با اینکار هیچ کاری از او در درگاه خداوند قبول شود
 - ملاک تشخیص صحابه است و نه نص قرآن و سنت
 - اشاره به مواردی در افراطگرایی عقلی از دانشمندان غیر مسلمان
 - شلایر ماخر بنیانگذار الهیات جدید است که «وحی را با انکشاف نفس خداوند در تجربه دینی یکی دانست.»
 - آلن گالووی، پانن برگ، الهیات تاریخی، ترجمه مراد فرهادپور، موسسه فرهنگی صراط، چاپ اول، ص ۳۵.
 - وحی گونه ای تجربه دینی است. طرفداران این دیدگاه، بر مواجهه پیامبر با خدا تأکید می ورزند و سرشت وحی را همین مواجهه می دانند؛ به عبارت دیگر، وحی در این دیدگاه، به این معنا نیست که خدا پیامی را به پیامبر القا کرده است؛ پیامبر مواجهه ای با خدا داشته است و از این تجربه و مواجهه، تفسیری دارد. آنچه ما به عنوان «پیام وحی» می شناسیم



در واقع تفسیر پیامبر و ترجمان او از تجربه اش می باشد. همچنین میان خدا و پیامبر جملاتی رد و بدل نشده، خود تجربه فارغ از زبان است. زبان صورتی است که پیامبر در قالب آن، تفسیر خود را به دیگران انتقال می دهد.

• علی رضا قائمی نیا، پیشین، ص ۴۶ (شلایل مآخر در کتاب الهیات پروتستانها)

○ وحی همان تراوش وجدان مخفی و تجلی شعور باطن پیامبران است بنابراین فرشته ای در کار نیست و پیامبر(ص) از جانب خدا مأمور نمی باشد. آنچه پیامبران با نام وحی عرضه کرده اند انعکاس افکار درونی آنان است. پیامبران مردانی خیر اندیش و اصلاح طلب بوده اند که خیر اندیشی درونشان به صورت وحی و گاه به صورت ملک تجسم یافته و گمان برده اند که از جایگاهی دیگر بر آنان الهام شده است و به این سبب برخی نادرستی ها که در گفته ها و نوشته های آنان یافت می شود بدیهی و طبیعی است زیرا ساختار فکری و اندیشه چنین مردانی مولود محیط و جو حاکم بر افکار و عقاید مردم آن زمان است. از همین روی در گفتارشان برخی باورهای زمان خویش را آورده اند که سپس نادرستی آن ثابت شده است و گرنه خداوند، اعلی و اشرف از آن است که نادرستی هایی در سخنان یافت شود

▪ فرید وجدی، محمد، دائرةالمعارف القرآن العشرین، ج ۱۰ ص ۷۱۵.

• افراط گرایی در کارایی عقل در میان مسلمانان

• استقلال عقل و عدم نیاز به وحی

○ «کسانی از جمله اقبال لاهوری در باب خاتمیت سخنانی گفته اند که از کلام آن ها چنین استشمام می گردد که... رابطه نبی و امت را همچون رابطه طبیب و بیمار و معلم و شاگرد و مربی و متربی از سنخ روابطی دیده اند که تحقق و ادامه آن ها نفی خود را نتیجه می دهد... یعنی ایده آل آن است که مردم رفته رفته از تذکار نبی مستغنی گردند.

▪ بسط تجربه نبوی، ص ۱۱۹.

○ اقبال لاهوری اعتقاد داشت که بشر دوران کودکی و دوران بزرگسالی خود را تجربه کرده است. آدمی در دوره کودکی تحت فرمان شهوت و غریزه است و در دوره بزرگسالی و پس از بلوغ، تحت حاکمیت عقل، که تنها همان سبب تسلط وی بر محیط است، و چون عقل تولد یافت، باید آن را با جلوگیری از اشکال دیگر معرفت، تقویت کند. بنابراین در دوره جدید (بزرگسالی بشر) چیزی به نام خرد استقرایی پای به عرصه گذاشته است که انسان را بر طبیعت و محیط اطرافش چیره ساخته و به جای غرایز نشسته است.

▪ احیای فکر دینی در اسلام، ص ۱۴۵

• اشاره به کتاب خاتمیت استاد مطهری در پاسخگویی به این نوع تفکر

• اشاره به تنها مسیر رستگاری (درون دینی)

• هدایت در انحصار حضرت حق با توجه به سوره مبارکه بقره آیه ۱۲۰

○ **وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ**

▪ هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد مگر آنکه پیروی از آیین آنها کنی. بگو: راهی که خدا بنماید به یقین راه حق تنها همان است و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آنکه طریق حق را دریافتی، دیگر از سوی خدا یار و یاور نخواهی داشت.

• اهل کتاب هرگز از پیامبر(صلی الله علیه و آله) راضی نمی شوند

○ انحصار هدایت برای خدا



- خداوند در رد توقع بیجای یهود و نصاری مبنی بر پیروی پیامبر(صلی الله علیه و آله) از دین آن ها، دستور می دهد که بگو: «إِنَّ هَدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى» هدایت خدا هدایت است نه بافته ها و من در آوری های شما.
- درست است که انسان باید با نیروی جاذبه اخلاق دشمنان را به سوی حق دعوت کند، ولی این در مقابل افراد انعطاف پذیر است، اما کسانی هستند که هرگز تسلیم حرف حق نیستند، نباید در فکر جلب رضایت آنها بود، اینجا است که اگر ایمان نیاوردند باید گفت: به جهنم! و بیهوده نباید وقت صرف آنها کرد.
- متفکرین شیعه و انتخاب مسیر اعتدال در استفاده از عقل و وحی
- نسبت عقل و شرع در نظر ملامحسن فیض کاشانی:
- ایضاً فالشرع عقل من خارج و العقل شرع من داخل و هما يتعاضدان بل يتحدان ... فقد ظهر من أنه لا طريق إلى العلم بالاحكام الشرعيه المختلف فيها في زمان الغيبه إلا لدى العقل الصحيح الكامل صاحب القوه القدسيه بعد أخذها من اصولها المحكمه من الكتاب و السنه الثابته و اخبار اهل البيت المسموعه عنهم (ع) بواسطه أو بدونها و الناس أنما هلکوا فيما هلکوا لترکهم ذلك و أتباع آرائهم قال الله عزّ و جلّ: «تقولون على الله ما لا تعلمون»
- ده رساله، راه صواب، ص ۱۲۹ - ۱۲۸. / اصول الاصيله ص ۱۴۹
- اشاره به روایت از امام کاظم در تایید کلام ملامحسن فیض
- يقول الإمام الكاظم(ع): "يا هشام، إنَّ الله على النَّاسِ حَجَّتَيْنِ؛ حَجَّةٌ ظَاهِرَةٌ وَ حَجَّةٌ بَاطِنَةٌ، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ، فَهَمَّ الرِّسَالِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْأُمَّةَ، وَأَمَّا الباطنةُ فالعقول (اصول کافی)
- فیض استفاده-ی ابزاری از عقل را به رسمیت می شناسد. وی در اصل ششم اصول الاصيله در زمینه-ی کاربرد ابزاری عقل در حل تعارض اخبار می نویسد: «إنهم أعطونا اصولاً عقليہ برهانيہ فی باب تعارض الأخبار و اختلافهم عنهم و أمرونا بالأخذ بها و العمل عليها ليتخلّص من الحيره و ذلك من فضل الله علينا».
- اصول الاصيله، ص ۸۶.
- خردورزی در معارف دینی از دیدگاه علامه طباطبایی رحمه الله
- نظریه علامه طباطبائی المیزان در تعارض عقل و شرع
- ان الكتاب والسنه القطعيه من مصاديق مادل صريح العقل على كونهما من الحق والصدق و من المحال ان يبرهن العقل ثانيا على بطلان ما برهن على حقيقته اولا
- الميزان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۲۵۸.
- بعد از آنکه عقل صراحتاً بر حقانیت و درستی قرآن و سنت قطعی دلیل آورده است، محال است که دوباره برهانی برخلاف آن ها اقامه کند. تعارض بین دو حکمی که به مرحله قطعیت رسیده باشند ممکن نیست. دو حکم عقلی یا شرعی قطعی هرگز نمی توانند در تعارض با یکدیگر باشند، چنانچه حکم شرعی قطعی با حکم عقلی قطعی نیز امکان تعارض ندارند. زیرا حکم شرعی در صورتی به مرحله قطعیت می رسد که واجد شرایط زیر باشد:
- الف) صدور آن از ناحیه معصوم، قطعی و یقینی باشد؛



▪ (ب) دلالتی روشن بر مدعا داشته باشد به گونه ای که احتمال دیگری را بر نتابد؛

▪ (ج) صدور آن نیز به قصد بیان حکم الهی باشد و احتمال تقیه و ظاهر سازی در آن نرود.

• معرفی سنت پیامبر بر مبنای دخالت اشتباه عقل

• زیارت عاشورا با یک معنای جهانی در معرفی معرفتی کنندگان غاصب سنت

○ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا.

• امام علی بن موسی علیه السلام در نگاه به فلسفه سیاسی و بیان ضرورت وجود امام و رهبری الهی و حکومت دینی برای جامعه اسلامی

○ أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ إِمَامًا قِيَمًا أَمِينًا حَافِظًا مُسْتَوْدَعًا لِدَرَسَتِ الْمِلَّةُ، وَ ذَهَبَ الدِّينُ، وَ غَيَّرَتِ السُّنَنُ وَ الْأَحْكَامُ، وَ زَادَ فِيهِ الْمُبْتَدِعُونَ،

وَ نَقَصَ مِنْهُ الْمُملُحِدُونَ، وَ شَبَّهُوا ذَلِكَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ؛ إِذْ قَدْ وَجَدْنَا الْخَلْقَ مَنْقُوصِينَ مُحْتَاجِينَ غَيْرَ كَامِلِينَ، مَعَ اخْتِلَافِهِمْ وَ اخْتِلَافِ

أَهْوَائِهِمْ وَ تَشْتَتِ حَالَاتِهِمْ؛ فَلَوْ لَمْ يَجْعَلْ فِيهَا قِيَمًا حَافِظًا لِمَا جَاءَ بِهِ الرَّسُولُ الْأَوَّلُ لَفَسَدُوا عَلَى نَحْوِ مَا بَيَّنَّاهُ وَ غَيَّرَتِ الشَّرَائِعُ وَ

السُّنَنُ وَ الْأَحْكَامُ وَ الْإِيمَانُ، وَ كَانَ فِي ذَلِكَ فَسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ

▪ اگر خداوند برای مسلمین سرپرستی امین و نگهبانی که مراقب ودیعهی الهی و حافظ شرع مقدس باشد تعیین نمی نمود رفته رفته اساس اسلام

فرومی ریخت، دین از میان می رفت، سنن و احکام الهی دگرگون می گردید، بدعتگذاران چیزهایی را به نام دین بر آن می افزودند، افراد بی ایمان

مطالبی را از آن می کاستند، آیین الهی را تحریف می نمودند، و دین واقعی را بر مسلمین مشتبه می ساختند.

• عیون الاخبار ج ۲ ص ۹۹

• فعل حکیم نقص ندارد و با حکمت صادر شده است

○ الرِّيبَةُ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فَصَّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَيْرٍ

▪ این قرآن کتابی است دارای آیاتی محکم که از جانب خدایی حکیم و آگاه به تفصیل و بسیار روشن بیان گردیده است.

▪ سوره هود آیه ۱

▪ این سوره همانطور که از آغاز و انجامش و از زمینه ای که همه آیاتش دارد بر می آید در این مقام است که غرض آیات قرآنی را با همه کثرت و

تشتتی که در آنها است بیان نموده از مضامین همه آنها خلاصه گیری کند و خاطر نشان می سازد که اساس و جان تمامی معارف مختلفی که آیات

قرآنی متضمن آن است یک حقیقت است. و آن یک حقیقت عبارت است از توحید حق تعالی، البته توحیدی که اسلام و قرآن معرفی کرده، و آن

اینست که انسان معتقد باشد به اینکه خدای تعالی رب همه اشیا عالم است و غیر از خدای تعالی در همه عالم ربی وجود ندارد، و اینکه انسان

به تمام معنای کلمه تسلیم او شود و حق ربوبیت او را اداء کند و دلش جز برای او خاشع نگشته، بدنش جز در برابر او خضوع نکند، خضوع و

خشوعش تنها در برابر او - جل جلاله - باشد.

• لینک فایل صوتی سخنرانی

• http://www.almenhaj.com/media/moharam/95/mon_moharram_1395.07.19_009.mp3

• فایل ریز موضوعات و خلاصه سخنرانی

• http://www.almenhaj.com/media/moharam/95/mon_moharram_1395.07.19_009.pdf